

طلبکار سازی مشکل ورزش

یکی از بزرگ ترین مشکلات ورزش بحثی است که می توان بر روی آن نام طلبکار سازی گذاشت.

متاسفانه در دوران کنونی ورزش به وضعیتی دچار شده است که در آن آداب و سنن و قرار های معتبری که بوده فراموش شده است. اگر در دنیای ورزش به این ویژگی ها و خصوصیات و رسم و روش ها توجه نشود و نسبت به اعمال و حاکمیت آنها اقدام نگردد باید مطمئن بود که در ورزش به جای عافیت با مصیبت مواجه خواهیم شد.

وقتی این آداب و سنن ها در گیرودار زمان به باد فراموشی سپرده شود نتیجه اش آن می شود که هر کسی سنگ خود را به سینه زند و نه سنگ ورزش و نه سنگ اجتماع و نه سنگ آئین را.

عجب بساطی فراهم است که هر کسی در ورزش به مقامی می رسد آنجا را محلی می پندارد که می تواند به هر طریقی که بخواهد رفتار بکند، بر هر کسی که بخواهد میدان بدهد و اگر تمایل داشته باشد رسم و آئینی تازه برقرار بکند و بر گذشته ها خط قبرمز بکشد و باکی هم از کارها و رفتارهای خود نداشته باشد.

اگر راه گم کرده ها سر از ورزش در بیاورند چون به این خانواده وابستگی نداشته و از این مجموعه به حساب نمی آیند تا بخواهند معنی و مفهوم سابقه، کسوت، خاک میدان خوردن و عرق ریختن در میدان را درک کرده و بفهمند فقط خود را در جستجوی بعضی از عناوین، سکوها و افتخارات زودگذر درگیر می کنند و نه در جستجوی کمال و قلاح.

و این چنین است که وقتی فردی علی رغم بی بهره بودن از پیشینه و کارنامه و سابقه در ورزش، سکاندار می شود با گذشت اندک زمانی آن چنان از ورزش طلبکار می شود که تصورش برای کسانی که از برای ورزش پیراهن ها پارا کرده اند مشکل و سخت می شود.

آنهايي که با مشخصات ذکر شده در ورزش يکه سواری می کنند هیچ وقت از خود سؤال نمی کنند که به ورزش چه خدمتی کرده اند؟ چه سابقه ای دارند و به ورزش چه داده اند که حالا در برابر آن طلبکاری می کنند.

گفتیم که ورزش راه و رسم خود را دارد. در این عرصه هر کسی را قدر و اندازه ای است که باید پیش از آن خود را بشناسد. اگر کسی صاحب شعور باشد می تواند قدر و قیمت خود را بشناسد و اگر از این نعمت بی بهره باشد باید آن را تربیت ورزشی به او بفهماند. اگر باشند کسانی که در ورزش نه صاحب شعور باشند و نه تربیت ورزشی در آنها

اثر گذار باشد این افراد چه ورزشکار باشند و چه سرمربی و مدیر و رئیس، نه پهلوان می شوند و نه قهرمان و نه مدیر و نه رئیس ورزشی و اگر بر سکوی اول جهان هم قرار بگیرند و مدیر نمونه ورزشی دنیا بشوند جز "دیو" چیز دیگری نخواهند بود. اگر انسان قدر و قیمت خود را نشناسد زیاده خواهی به سراغش می آید و زیاده خواهی در ورزش رذیلت به دنبال خواهد داشت و نه فروتنی و فضیلت.

محیط ورزش و دنیای باصفای آن را نباید در قبال زیاده خواهی ها آلوده کرد و برای زدودن آداب و سنن آن تلاش نمود و برای رسیدن به هدف استفاده از هر وسیله ای را توصیه کرد.

این که غیر ورزشی ها نتوانند در ورزش دوام آورند و حداقل در مدیریت ها مثمر ثمر باشند نمی تواند کلی بوده و اصلی به شمار آید. آنهایی که می آیند تا ورزش را پلی برای رسیدن به اهداف غیر ورزشی قرار بدهند و هر مانعی را به بهانه های مختلف و مارک های متعدد از پیش رو بردارند باید هرچه زودتر محیط ورزش از وجود چنین افراد خطرناک پاک سازی بشود و اهمیتی به حاشیه سازی، چماق دار پروری و تهمت زنی آنها قائل نگردد.

کسانی که از حضور در ورزش هدفی جز آویزان شدن از آن نداشته و فقط و فقط به دنبال دست یابی به برخی از اهداف غیر ورزشی باشند به جای محیط مهر و محبت و مودت ؛ جهنمی ایجاد می کنند که می تواند تر و خشک را با هم بسوزاند و ریشه های ورزش و رشته های مختلف ورزشی را بخشکاند.

این قبیل افراد تحمل شنیدن حرف هایی به جز سخنان خود و اطرافیانشان را نداشته و خاموش کردن صدای منتقدان را به هر وسیله و بهانه ای صلاح می دانند و آن را تجویز می کنند. وقتی کسی سال ها در ورزش نباشد ، با ورزشی ها افت و خیز نداشته باشد، با خصوصیات و ویژگی های اخلاقی آنها آشنا نباشد، روحیه آنها را مورد شناسایی قرار ندهد ، با آنها زندگی نکرده و در شادی و غم شان شریک نشده باشد از کجا می تواند خواسته و ایده آنها را تحمل بکند و به حرف آنها گوش فرا بدهد. ترس از دست دادن موقعیت آنها را به افرادی خطرناک و غیر قابل اعتماد تبدیل می کند. وقتی نتوانند از راه اصولی و درست در مقام پاسخگویی برآیند بلافاصله برای راندن منتقدان از میدان نقشه های جدیدی می کشند که در راس آنها می تواند تهمت زنی و دروغ گویی و حرمت شکنی قرار بگیرد.

امروز هم فضای مجازی امکانات جدیدی در اختیار طلبکاران از ورزش قرار داده است. آنها برای غلبه بر منتقدان و لسوختگان ورزش در پشت نقاب های مختلف در فضا ظاهر می شوند و پرده دری می کنند و با استفاده از ادبیات سخیف و حرف های نامربوط و ادعاهای گنده تر از

دهان در دریای طلبکاری دست و پا می زنند و بدین وسیله تلاش می نمایند تا به نحوی خود را از مخمصه گرفتار شده نجات دهند. ناگفته پیداست که ورزش و محیط صمیمی، پاک و بی آلودگی آن نمی تواند در دراز مدت چنین افراد خناس، طلبکار و از خود راضی را تحمل نماید. زمان نفس کشیدن آنها در ورزش و حکمرانی در آن محدود می شود و می رسد روزی که فضا را برای خود تنگ و تنگ تر می بینند تا جایی که فرار را بر قرار ترجیح می دهند.

طلبکاران دروغین و پرمدها جایی که لازم باشد خود را می ستایند و به اهالی ورزش اهمیت نمی دهند. گاهی چنان پرخاشگر می شوند که حرمت ها را می شکنند و زمانی آن چنان متملق و چاپلوس می شوند که آدمی را به یاد شاعران کاخ های پادشاهی قدیم می اندازند و هیچ شک و تردیدی نیست که در این فضا اگر باشند کس و یا کسانی که از روی معیار و اندازه بنویسند، چیزی عجیب و غریب می شود و مقابله با آن واجب و سرزنش نویسنده و پاره کردن نوشته هایش لازم و ضروری. تا بعد.